



كلية الآداب

حوليات آداب عين شمس المجلد ٥٠ (عدد يناير - مارس ٢٠٢٢)

<http://www.aafu.journals.ekb.eg>

(دورية علمية محكمة)



جامعة عين شمس

نقش اکادیمی در پیشرفت نثر فارسی معاصر

مکی خالد عبدالرزاق*

* کارشناس ارشد- دانشگاه بغداد - دانشکده زبان - گروه زبان و ادبیات فارسی

makki.aliraqi@gmail.com

چکیده:

نثر فارسی امروز، نثری است که امروزه در غالب آثار و نوشته‌ها در زمینه‌های ادبی، داستانی، نمایشنامه، نقد و تحقیق، علمی، روزنامه، گزارش، خاطره، ادبیات کودک و نوجوان و... مشاهده می‌شود. از مهم‌ترین خصیصه‌های این نثر پویایی، سادگی، غنای لفظ و محتوا است.

در این پژوهش ابتدا از نثر و تاریخچه آن سخن خواهیم گفت. سپس به نثر معاصر می‌پردازیم. در ادامه بر حضور و رشد محیط‌های آکادمیک و دانشگاهی در ایران و تأثیر مستقیم و غیرمستقیم این محیط‌ها بر نثر متمرکز خواهیم شد. مهم‌ترین نقش آکادمی در نثر امروز گسترش نگاه انتقادی و برخورد علمی با متون در حوزه‌های گوناگون ادبی است.

کلیدواژگان:

ادبیات فارسی - نثر فارسی - آکادمی - دانشگاه - متون ادبی.

بیان مسئله

دانشگاه و محیط‌های آکادمیک بر حوزه ادبیات اثرگذارند. نثر معاصر ماحصل دگرگونی‌های فرهنگی، ادبی و اجتماعی همه‌جانبه‌ای است که از قرن سیزدهم آغاز شد. بی‌گمان تأثیر دانشگاه و محیط‌های آکادمیک را بر وجوه گوناگون زندگی مردم نمی‌توان نادیده گرفت. این تأثیر در ابعاد گوناگون زندگی اعم از؛ علمی، ادبی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... قابل بررسی است.

اهمیت و ضرورت مسئله

نثر فارسی در گذر زمان دستخوش تغییر و تحولات متعددی بوده است. این تغییرات در فرم و محتوای نثر فارسی خود را نشان داده است. در مطالعات نگارنده دگرگونی‌ها و تکوین نثر در دوره‌های مختلف غالباً متوجه فرم و محتوا بوده است و گاه اثر سایر متغیرها نادیده انگاشته شده است. دانشگاه‌ها و محیط‌های آکادمیک از عواملی بوده‌اند که نقششان در ساحت‌های مختلف قابل بررسی است و یکی از این موارد نثر در روزگار معاصر است. عوامل مذکور نگارنده را بر آن داشت تا به بررسی نقش آکادمی در پیشرفت نثر امروز بپردازد.

نوع پژوهش

این پژوهش در حوزه‌ی پژوهش‌های توصیفی، تحلیلی می‌گنجد و نگارنده می‌کوشد پس از مطالعه و گردآوری مطالب از کتاب‌های عموماً منثور در دوره‌های گوناگون ادبی و نیز تحقیقات پژوهندگان و نویسندگان و جامعه‌شناسان آنها را طبقه‌بندی، تبیین و تحلیل نماید.

پیشینه‌ی پژوهش

تا کنون مقالات و پژوهش‌های متعددی در رابطه با نثر و تغییر و تطور آن در دوره‌های گوناگون نگاشته شده است. اما بررسی نقش آکادمی در پیشرفت نثر فارسی در عصر روز تا کنون کم انجام شده است. نگارنده در این پژوهش در پی بررسی این موضوع خواهد بود.

روش پژوهش

این پژوهش بر اساس روش کتابخانه‌ای فراهم شده است و در این میان کتاب‌های تاریخی، ادبی و مقالات و پژوهش‌های متعددی مطالعه شد.

۱- نثر

نثر در لغت به معنی پراکنده است و اصطلاحاً به معنی سخن غیرمنظوم به کار می‌رود. این اصطلاح در برابر نظم و شعر قرار می‌گیرد که دارای وزن، قافیه و بیانی متفاوت‌اند. اگر زبان و گفتار را تجلی مادی احساس و اندیشه به شمار آوریم، نثر نیز تجلی مادی و مکتوب زبان گفتاری است. در ادبیات اکثر ملل نثر عمر کمتری نسبت به نظم و شعر دارد (روزبه، ۱۳۹۵: ۱۰۶م: ۱۰).

نثر فارسی شامل کلیه آثار منثوری است که از قرن چهارم تا دوران معاصر به زبان فارسی دری نوشته شده است. این نثر در پی تحول زبان فارسی بر اثر عواملی نظیر: نفوذ زبان‌های عربی، ترکی، مغولی، فرنگی و دیگر عوامل سیاسی، اجتماعی و فکری در طی دوران هزار ساله اخیر دستخوش دگرگونی‌های سبکی و ساختاری شده است.

نثر فارسی تا پیش از دوران معاصر از چند دیدگاه قابل طبقه‌بندی است:

الف) از دیدگاه بافت و بیان: ۱. نثر معمولی ۲. نثر ادبی.

نثر معمولی، نثری است که عاری از آرایش‌های کلامی، صرفاً به بیان موضوع و محتوا می‌پردازد. مانند نثر خبری و گزارشی اغلب آثار منثور نثر ادبی (یا شاعرانه) نثری است مبتنی بر کاربرد آراسته و ادبی کلام که برخوردار از آرایه‌های لفظی و معنوی نظیر: آهنگ، توازن، صور خیال و ... با بیانی شعرگونه ارائه می‌شود. مانند نثر آثار ادبی.

ب) از دیدگاه محتوا: ۱. نثر علمی و فلسفی ۲. نثر دینی ۳. نثر عرفانی ۴. نثر تاریخی ۵. نثر ادبی و داستانی ۶. نثر اداری (دیوانی).

ج) از دیدگاه سبکی و تاریخی: ۱. نثر ساده و مرسل ۲. نثر بینابین (ساده و فنی) ۳. نثر فنی ۴. نثر مصنوع ۵. نثر بینابین (ساده و مصنوع) ۶. نثر منشیانه ۷. نثر ساده و مردم‌گرا (ر.ک. روزبه، ۱۳۹۵: ۱۰۶م: ۱۱).

۱-۱ نثر معاصر

نثر فارسی در عهد افشاریه و زندی و قاجاریه اندک اندک از سستی بی‌مایگی دور شد و در دوره قاجاریه روشی نسبتاً مطبوع که به شیوه پیشینیان نزدیک بود، حاصل کرد. پیداست که در مورد نثر هم مانند نظم میزان فصاحت و بلاغت گفتار

نویسندگان قدیم بود منتهی در این مورد معمولاً از روش نویسندگان قرن ششم و هفتم و هشتم بیشتر تقلید شده است مگر در اواخر قرن سیزدهم که برخی مانند میرزا ابراهیم وقایع نگار به سبک معمول اواخر قرن پنجم توجه کردند. (ر.ک. عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۵ (۱۹۹۶م): ج ۳ ص ۷۴).

در آغاز این عهد هنوز آثار شوم بی‌مبالاتی و مسامحه نویسندگان دوره صفوی در منشآت فارسی آشکار بود چنان‌که حتی میرزا مهدی‌خان منشی نادر و آذر بیگدلی با همه استادی خود از خطای حذف افعال مصون نمانده‌اند لیکن در آثار نویسندگان استاد عهد قاجاری این عیب و نظایر آن کمتر مشهود است. مشاهیر نویسندگان دوره افشاریه و زندیه و قاجاریه عبارتند از: میرزاهادی‌خان استرآبادی، نشاط اصفهانی، فاضل‌خان گروسی، قآنی، میرزاتقی سپهر، رضاقلی‌خان هدایت، میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، میرزا عبداللطیف تبریزی، محمدحسن خان صنیع‌الدوله و میرزا محمدابراهیم وقایع نگار.

از دوره سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار به بعد ارتباط نزدیک میان ایران و اروپا آغاز شد و رو به تزايد و توسعه نهاد. آوردن کارشناسان فنی در امور نظامی و مهندسی و ایجاد مدارس برای کارآموزی در این فنون و فرستادن دانشجو و کارآموز به کشورهای اروپا، علی‌الخصوص فرانسه و انگلستان معمول گردید. گروهی از فرزندان رجال و متمکنین و شاهزادگان با زبان و ادبیات فرانسوی و انگلیسی آشنا شدند. ترجمه کتب مختلف از رمان و داستان گرفته تا کتب علمی و فنی و نظامی به زبان فارسی آغاز گردید. (نامه فرهنگ، ۱۳۷۹ (۲۰۰۰م): ۱۹۸) در این میان مدرسه دارالفنون به همت میرزاحمدتقی خان امیرکبیر افتتاح یافت و آشنایی ایرانیان را با علوم جدید بیشتر معمول و میسر ساخت. روزنامه‌نگاری هم اندک اندک معمول شد. در داخل و خارج ایران گروهی از مصلحین ایرانی شروع به نوشتن عقاید سیاسی و اجتماعی خود به زبان ساده کردند. تألیف کتب علمی و فنی و درسی جدید بنا به احتیاج زمان باب شد. فکر مشروطیت به میان آمد و در مردم هیجانی ایجاد کرد و گروهی از طبقات مختلف سرگرم مطالعه کتب جدید و بحث‌های تازه و سعی در تحکیم ارتباط خود با افکار و عقاید اروپایی شدند. رواج صنعت چاپ در ایران آشنایی مردم را با آثار ادبی و افکار مختلف میسر ساخت.

در این گیر و دار انقلاب مشروطیت آغاز شد. نطق‌ها و ایراد خطابه‌های ساده رایج گشت. روزنامه‌های پیاپی انتشار یافت. تأسیس مدارس جدید رونق گرفت. تحصیل زبان‌های اروپایی داوطلبان بسیار حاصل کرد. آشنایی اهل فضل با ادب غربی بسیار شد. ادب جدید عربی هم که تغییر و تحول زودتر در آن آشکار گردیده بود اثر خود را در میان عربی‌دانان کتابخوان و روزنامه و مجله‌دوست باقی نهاد. در افکار و عقاید تحولی عظیم پدیدار شد. ادبیات از دربار و مجامع اشرافی و خصوصی به میان عامه مردن راه جست. آزادی بیان و بنان همه را به تکاپو انداخت. بر شماره نویسندگان و شاعران ساده‌گوی عامه‌پسند افزوده شد. در نتیجه این تحولات سریع و شگرف روش نویسندگی تغییر یافت. افکار تازه در نثر و نظم به میان آمد. سبک نگارش ساده و بی‌پیرایه شد. ورود در انواع مختلف مسائل ادبی از قبیل داستان و تأثر و بحث‌های اجتماعی و اخلاقی و سیاسی و بحث ادبی و علمی و تحقیقات ادبی و تاریخی و جز آنها در زبان فارسی معمول گشت. (ر.ک. نامه فرهنگ، ۱۳۷۹ (۲۰۰۰م): ۱۹۹).

لهجه نویسندگان تدریجاً تغییر یافت و به لهجه تخاطب نزدیک شد. ترکیبات تازه و لغات جدید که بعضی هم ساختگی و برخی اروپایی و پاره‌ای ترکی استانبولی بود در زبان فارسی راه جست. ترکیبات و اصطلاحات تازه و خیالات جدید و فکرهای نو معمول شد.

در نثر و نظم فارسی از بعضی جهات فساد و تباهی راه جست زیرا بسیاری از کسان که استحقاق نویسندگی و شاعری نداشتند و از مقدمات بی‌بهره بودند به کار شاعری و نویسندگی پرداختند و حتی افرادی از این قوم دیده شدند که زبان فارسی را نیز درست و به درجه معمول و عادی نمی‌دانستند. مقالات سراسری روزنامه‌ها و ترجمه‌های نادرست و ناموزون ک در جراید انتشار یافت باعث شد که لغات غلط، ترکیبات و اصطلاحات نامناسب، غلط‌های دستوری و امثال آنها به وفور در نثر و نظم راه جوید.

لیکن عوامل دیگری که پیش از این برشمرديم نظم و نثر را در راه تکامل وارد کرد و در آنها تنوع و تجدیدی به وجود آورد. زبان نثر ساده شد و از قیود لفظی رهایی یافت و استفاده از لهجه تخاطب نویسندگی را برای بسیاری از طبقات آسان ساخت و نثر را آماده قبول افکار گوناگون کرد و از این روی تحریر انواع کتب به زبان فارسی آسان شد. تألیف کتب در علوم جدید که از اواخر عهد ناصری آغاز شده بود روز به روز معمول‌تر و متداول‌تر گردید. ترجمه رمان‌ها و داستان‌های اروپایی باعث شد که نوشتن حکایات کوچک و داستان‌های بزرگ به تدریج در زبان فارسی معمول گردد و اینک این فن در حال تکامل است. آشنایی با تحقیقات و تتبعات اروپاییان باعث تغییر روش تاریخ‌نویسی و تحقیق در مسائل ادبی شد و از این راه تا کنون بسیاری از نکات و مسائل مربوط به تاریخ و ادبیات ایران روشن گشت. از نویسندگانی که در دوره مشروطیت شهرت یافتند و خدماتی انجام دادند می‌توان از شیخ احمد روحی، میرزا آقا کرمانی و میرزا ملک خان نام برد (ر.ک. صفا، ۱۳۵۳ (۱۹۷۴م): ۱۲۰ - ۱۲۵).

کوشش‌های رساله‌نویسان و منشیان دوران قاجار سبب دگرگونی در نثر گردید. از جمله افرادی که موجبات این تحول را رقم زدند می‌توان به نام‌های زین‌العابدین مراغه‌ای، عبدالرحیم طالبوف، علی اکبر دهخدا و محمدعلی جمالزاده اشاره کرد. نثر فارسی معاصر در سال ۱۳۰۰ ه.ش (۱۹۲۱م) با مجموعه داستان «یکی بود و یکی نبود» وارد مرحله جدیدی شد. یکی از اهداف جمالزاده از انتشار این مجموعه داستان، آفرینش سبکی تازه در نثر فارسی بود. مهم‌ترین ویژگی این سبک و نثر، انتقال ساده مفاهیم به خواننده است. نویسندگان پس از جمالزاده با پیروی از وی و با نوشتار و سبکی مخصوص به خود راه او را ادامه دادند. این مقدمات به تدریج نثر داستانی امروز را شکل داد.

«یکی بود و یکی نبود» را سرآغاز داستان‌نویسی معاصر فارسی دانسته‌اند. اما این به آن معنا نیست که تماماً با ویژگی‌های نوینی در نثر جمالزاده روبرو هستیم. بررسی سبک و زبان آثار وی نشان می‌دهد که ویژگی‌های سنتی در حوزه درون‌مایه و زبان در نثر او هویداست. سادگی در نثر جمالزاده نیز ویژگی تازه و منحصر به او نیست. او خود در این زمینه می‌گوید: «در مقام ساده نوشتن، آنچه را سهل و ممتنع می‌گویند و بارزترین نمونه آن گفته سعدی است، در نظر داشته‌ام» (جمالزاده، ۱۳۷۸: ۱۹۹۹م: ۱۱۸).

۲ - نخستین نشانه‌های نثر دانشگاهی و آکادمیک

نثر فارسی در دوره مشروطه چند جریان اصلی را دنبال می‌کرد که متأثر از دانشگاه و نگاه آکادمیک بود. این جریانات عبارت بودند از:

۱. رساله‌نویسی ۲. داستان‌نویسی ۳. نمایشنامه‌نویسی ۴. ترجمه

۲ - ۱ رساله‌نویسی

از دوره قاجار، خاطر‌نویسی، شرح احوال‌نویسی و نگارش رسالات و مقالات انتقادی - اجتماعی به روشی روشن و صریح فراگیر شد. در این دوره رساله‌نویسان و مقاله‌نگارانی چون میرزا ملکم خان، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا علی‌خان امین‌الدوله، میرزا علی‌خان ظهیرالدوله، حاج سیاح محلاتی، حاج یحیی دولت‌آبادی و در ادامه علی اکبر دهخدا با نوشتن آثار انتقادی به بیان دیدگاه‌های روشنفکرانه خویش پرداختند. محتوای غالب این آثار انتقاد از تاجر سیاسی - فرهنگی و اجتماعی مانند: جهل، خرافات، فقر، استبداد و محرومیت بود. در کنار این موارد به تحسین و ستایش ایران باستان نیز می‌پرداختند. حسن میرعابدینی در کتاب «صدسال داستان‌نویسی ایران» به این موضوع پرداخته است: «شیفتگی نسبت به تمدن غرب و برخورد غیرانتقادی با جلوه‌های آن، سبب می‌شود که تحقیر میراث فرهنگ ایرانی هم نوعی تجدخواهی به نظر آید. این روشنفکران آشنایی عمیقی با مسائل فرهنگی و فلسفی مطرح در اروپا نداشتند و آموخته‌های خود را بدون هیچ شک و تردیدی در نقد ادب کهن به کار می‌بردند» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۱۹۹۸م: ۱۸ - ۱۹). در این میان بسیاری از سنت‌های کهن ایرانی - شرقی مورد تمسخر قرار گرفت. روح ناسیونالیستی و لحن ساده اما صریح و کوبنده مشخصه اصلی این آثار است. مقالات طنزآمیز و انتقادی دهخدا با نام «چرند پرند» ک پس از امضای فرمان مشروطه در روزنامه صوراسرافیل به چاپ می‌رسید، جایگاهی ویژه دارد. «نثر دهخدا، پلی است بین قصه‌نویسی و روزنامه‌نویسی. مضمون طنز دهخدا، وضع سیاسی روز و وضع طبقه محروم جامعه است و دهخدا از هر دو وضع، زنده‌ترین تصویرها را ارائه می‌کند. دهخدا با نثر خود بزرگترین کمک را به پیدایش قصه در زبان فارسی کرد اگرچه خود هرگز قصه ننوشت» (براهنی، ۱۳۶۸: ۱۹۸۹م: ۵۴۱ - ۵۴۵).

۲ - ۲ داستان‌نویسی

از مهم‌ترین شکل‌های نثر و خاصه نثر امروز شکل داستانی است. داستان و داستان‌پردازی تجلی و ترجمان افکار، عواطف، عقاید، علایق، آداب و سنت‌ها، رنج‌ها، آرزوها و ... است. ادبیات داستانی از جهت شکل و ساختار به انواع قصه، داستان (داستان کوتاه، داستان کوتاه، داستان بلند) و رمان (رمان کوتاه، رمان بلند) تقسیم می‌شود.

اگر جمال زاده را آغازگر رئالیسم داستانی در ایران به شمار آوریم. اوج آن با آثار صادق هدایت بود. هدایت در داستان‌هایش به ساخت و پرداخت درونی داستان، شخصیت‌پردازی و روان‌کاوی شخصیت‌ها می‌پردازد. در سال‌های بین ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ (۱۹۴۱ تا ۱۹۵۳م) چهره‌هایی چون صادق چوبک، جلال آل احمد، ابراهیم گلستان، بهرام صادقی و ... ظهور کردند. با پیدایش آثار این نویسندگان، جلوه و جاذبه رمان‌های اجتماعی دوره قبل، رنگ باخت و خوانندگان با ادراکی برتر، به آثار خلاق گراییدند. در مجموع دهه ۲۰ دوره رشد و گسترش داستان کوتاه و عرصه گسترش ادبیات تبلیغی و آرمان‌گرایانه بود. در سال‌های پس از کودتا تا سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۸م) نویسندگانی چون تقی مدرسی، صمد بهرنگی، ابراهیم گلستان، علی محمد افغانی، سیمین دانشور، محمود دولت‌آبادی، هوشنگ گلشیری، غلامحسین ساعدی، اسماعیل فصیح، شهرنوش پارسی‌پور و ... آثاری بر جای گذاشتند.

۲ - ۳ نمایش‌نامه‌نویسی

نمایش به معنای امروزی نخستین‌بار از طریق ترجمه‌ها و به خصوص ترجمه‌های مولیر مطرح شد. نکته این‌که مترجمان این آثار با تغییر اسامی اشخاص و مکان‌ها به نام‌های ایرانی و کاربرد تعابیر خاص زندگی موضوع را برای خواننده یا تماشاگر ملموس ساخته‌اند (سپانلو، ۱۳۸۷ (۲۰۰۸م): ۲۰۱). واز بازیکنان مشهور تئاتر ایران بود لرتا هنوز چهارده سال نداشت که در نمایشنامه "مولیر" به کارگردانی و ترجمه "کاراکاش" و همراه آقای دریاییگی، و دیگر بازیکنان تئاتر چون خانم "برسابه" شرکت کرده بود. در سال ۱۳۰۵ (۱۹۲۶م) خورشیدی، به دعوت محمود ظهیرالدینی اولین استاد تئاتر در ایران، به گروه "کمدی اخوان" پیوست و در نمایشنامه‌ی "تاجر ونیزی" اثر شکسپیر با ظهیرالدینی و "حسین خیرخواه" بازی کرد. بعد به دعوت اسماعیل مهرتاش به تئاتر "جامعه باربد" رفت و در نمایشنامه‌های موزیکال "لیلی و مجنون"، "یوسف و زلیخا"، "خسرو و شیرین" نقش‌های اول را ایفا کرد.

نمایش‌نامه‌های که تحت تأثیر فضای آکادمیک صاحبان آثار نوشته شده، فضای متنوع و متفاوت‌تری را تجربه کرده است. ترجمه نمایشنامه‌های متفاوت در بُعد وسیع‌تری دنبال شد و آثار ارزنده‌ای به مردم معرفی گردید.

۲ - ۴ ترجمه

یکی از مهم‌ترین دلایل دگرگونی نثر معاصر «ترجمه» است. ایرانیان با مطالعه آثار ترجمه شده با ویژگی‌های ادبیات اروپا و نثر داستانی و مکتب‌های ادبی ایشان آشنا شدند. در ابتدا، متون داستانی ترجمه شدند و ایرانیان با توصیفات مندرج در این متون آشنا شدند. به عنوان نمونه؛ ترجمه آثار مولیر، ترجمه «حاجی بابا اصفهانی»، ترجمه آثار شکسپیر و دوما از مهم‌ترین آثار ترجمه شده در این دوره است که بر روی کیفیت نثر نویسندگان تأثیرگذار بود.

۳ - طبقه‌بندی نثر معاصر

نثر فارسی معاصر را می‌توان از دیدگاه‌های گوناگون مورد بررسی و مذاقه قرار داد. زبانی: نثر فارسی معاصر را از نظر زبانی می‌توان در حوزه‌های علمی، ادبی، گفتاری، اداری، روزنامه‌ای، کودکانه و ... بررسی کرد.

بیانی: نثر فارسی معاصر را از نظر بیانی می‌توان در حوزه‌های طنز، ادبی، جدی، عامیانه، عالمانه، فاخر و ... بررسی کرد.

قالب: نثر فارسی معاصر را از نظر قالب می‌توان در حوزه‌های مقاله، نامه، گزارش، نمایش‌نامه، فیلم‌نامه، قطعه ادبی، سفرنامه، داستان، زندگی‌نامه و ... بررسی کرد.

محتوایی: نثر فارسی معاصر را از نظر محتوایی می‌توان در حوزه‌های ادبی، سیاسی، علمی، فنی، عرفانی، فلسفی، داستانی، تخیلی و ... بررسی کرد.

۴ - شاخصه‌های نثر معاصر

- پرهیز از لغات دشوار و مهجور قدیم و گرایش به واژگان امروزی
- زبان فارسی شط پرشکوهی است که جویبارهای بی‌شمار زبان و لهجه‌های ایرانی دیگر در آن سرازیر شده است (انوری، ۱۳۸۹ (۲۰۱۰): هفت).

- بهره‌گیری از واژگان و ترکیب‌های ابداعی علمی، فنی، سیاسی، اجتماعی، ادبی و ...
- انباشت منابع نامعتبر و رونویسی‌های خام‌دستانه فضا را برای نفس کشیدن تنگ می‌کند. یک محقق جدی برای نوشتن پیشینه تحقیق یا مقاله مروری باید ساعت‌ها وقت صرف کند، نوشتجات بی‌کیفیت را بخواند (فتوحی، ۱۳۹۴ (۲۰۱۵): ۱۵).

- پرهیز از عربی‌مآبی و سرزنویسی و میل به اعتدال زبانی
- آوای زنی که شاعر را در ژرفنای تاریکی شب به نام می‌نامد و به کامروایی می‌خواند اما هرگز دست شاعر به او نمی‌رسد (زرین‌کوب، ۱۳۵۸ (۱۹۷۹م): ۹۳).

- گرایش به سادهنویسی به عنوان شاخصه زیباشناسی و پرهیز از پیچیده‌نویسی
- حالا شاید روزهای اول اوضاع ارفع چنان بوده و بعداً چنین شده خصوصاً که در مورد تهمت قوادی خود اعتمادالسلطنه هم همراه شاه بوده است (باستانی پاریزی، ۱۳۸۰ (۲۰۰۱): ۸۵).

- پرهیز از لفاظی‌های ادبی و اشرافی

ایرانیان که در پارس زندگی می‌کردند لباس ساده‌ای می‌پوشیدند و در برابر گرسنگی و تشنگی و بلایا از خود مقاومت نشان می‌دادند (مشکور، ۱۳۷۸ (۱۹۹۹م): ۴۷).

- پرهیز از آرایه‌های کلامی کهنه
 به نظر شکوفسکی، هنر، ادراک حسی ما را دوباره سازمان می‌دهد و در این مسیر، قاعده‌های آشنا و ساختارهای به ظاهر ماندگار واقعیت را دگرگون می‌کند. هنر عادت‌هایمان را تغییر می‌دهد و هر چیز آشنا را به چشم ما بیگانه می‌کند (رک احمدی، ۱۳۸۵ (۲۰۰۶م): ۴۷).

- پرهیز از مترادفات و عبارات وصفی
 وقتی مجموعه آوایی مورد بحث ما به لحاظ کوتاه و بلندی مصوت‌ها و یا ترکیب صامت‌ها و مصوت‌ها از نظام خاصی برخوردار باشد، نوعی موسیقی به وجود می‌آید که آن را وزن می‌نامیم (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹ (۲۰۱۰م): ۹).

- گرایش به اصطلاحات علمی و ادبی
 رمانس منطقه میان اسطوره و محاکات (ادبیات تخیلی) را به خود اختصاص می‌دهد (میرصادقی، ۱۳۹۴ (۲۰۱۵م): ۱۸۸).

- پیروی از برخی جمله‌بندی‌های زبان‌های فرنگی
 زبان پدیده‌ای اجتماعی است و در هر اجتماع نسبت به اجتماع دیگر و حتی گاهی در هر فرد متفاوت است. برخی از زبان‌شناسان زبان گفت‌وگوی غیررسمی را زبان هنجار می‌شمارند و برخی دیگر معتقدند که زبان هنجار برای بیان مفاهیم علمی به کار می‌رود (صفوی، ۱۳۷۳ (۱۹۹۴م): ۳۷ - ۳۶).

پرهیز از ساخت‌های دستوری ادیبانه کهن و گرایش به جمله‌بندی‌های ساده و امروزی
 دیوان حافظ یک مثنوی بسیار فشرده است، تصویر سرگذشت پرماجرایی روحی انسان ایرانی بر صفحه‌ای مثلاً به وسعت پشت یک ناخن است (پورنامداریان، ۱۳۸۲ (۲۰۰۳م): هشت).

پرهیز از تشبیهات، توصیفات، کنایات، استعارات و اشارات کهنه و کلیشه و گرایش به بیان نمادین
 این تهاجم و نوسازی، زبان عادی و تکراری را برجسته و پرجاذبه می‌سازد. برجسته سازی در سطوح گوناگون زبان می‌تواند به وجود آید (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۲ (۲۰۰۳م): ۵۵)

پرهیز از کلی‌گویی و رویکرد به جزئی‌نگری علمی و فلسفی
 زبانی که مجبور باشد زیر سلطه این یا آن وزن سخن بگوید استقلال ندارد و ... تنها برحسب اتفاق ممکن است کاملاً با وزن جور بیاید (پاشایی، ۱۳۸۲ (۲۰۰۳م)، ج ۲: ۱۰۹۰).

گرایش به ایجاز و پرهیز از اطناب
 در اخلاق عملی و شیوه تاریخ‌نگاری بیهقی باید بگویم بنیاد اندیشه در شیوه تاریخ‌نگاری بیهقی «فضامحوری» است (یاحقی و سیدی، ۱۳۹۰ (۲۰۱۱م): ۳۱).

به کارگیری شیوه‌های تحلیل و تشریح مفاهیم با روشی علمی و منطقی
 مصداق فضای کیفی در حوزه هنرهای بصری، از جمله در نگارگری ایرانی بروز می‌یابد که در آن فضا، ساحتی کیفی است و بنابراین از قواعد مقرر پرسپکتیو پیروی نمی‌کند (شایگان، ۱۳۹۶ (۲۰۱۷م): ۱۳۳).

۵ - نثر دانشگاهی در دوره معاصر

بازگشت تدریجی محصلانی که دولت جهت تحصیل به خارج اعزام داشته بود، در کلیه شئون کشور تأثیری قطعی نهاد، به طوری که ما یکی از اثرات آن را در ادبیات و فرهنگ گرفته‌ایم. اینان علاوه بر دانش نو، فکر نو و هواهای تازه‌ای نیز با خود آوردند. چیزی که ماهیتاً علیه استبداد مسلط بود (سپانلو، ۱۳۸۷ (۲۰۰۸م): ۴۷).

سعید نفیسی که خود آن دوران را درک کرده می‌نویسد: «نکته دیگری که نماینده پیشرفت معارفی در این دوره است اعزام عده کثیری از جوانان ایرانی برای فرا گرفتن علوم و فنون جدید به کشورهای مختلف اروپاست. برای این کار قانون مخصوصی از مجلس گذشت و از سال ۱۳۰۸ (۱۹۲۹م) به جز سال‌هایی که مصادف با جنگ جهانی دوم شد هر سال صدتن از جوانان ایران که دوره متوسطه یا قسمتی از دوره عالی را پیموده بودند برای افزایش معلومات خود به خرج دولت به اروپا رفتند و در کشورهای مختلف مانند فرانسه و آلمان و انگلستان و سوییس و بلژیک تحصیلات خود را به پایان رسانیدند و در بازگشت چه در دانشگاه و چه در کارهای دیگر در رأس کار قرار گرفتند (نفیسی، ۱۳۴۵ (۱۹۶۶م): ۱۴۳ و ۱۴۴).

با بازگشت فارغ‌التحصیلان، همپای فنون و دانش‌های نو جبراً نسیم تحولی وزید که یک دوره ۲۵ ساله را از تازگی‌ها، شناخت‌ها و جستجوها در هم نوشت. در فرهنگ، ادبیات و هنر ساخت‌های نوینی ب مورد آزمایش گذاشته شد. آن هسته اندیشگی که از اواخر دوره ناصری روز به روز رشد کرده اما همچنان شکل بدوی داشت، اینک می‌رفت تا شکوفا گردد و شد. با توجه به

اهمیت و سرعت تحولات در این ۲۵ سال می‌توان گفت که به همراه آن فرهیختگان مظاهر اصلی قرن بیستم وارد ایران شده است (سیانلو، ۱۳۸۷ (۲۰۰۸م): ۷۱ و ۷۲).

از سال‌های ۱۳۰۰ (۱۹۲۱م) و پس از آن، همزمان با پیدایش و رشد محیط‌های آکادمیک و نظام دانشگاهی نسلی از پژوهشگران به عرصه ادب و فرهنگ ایران پا گذاشت. این افراد به مدد آشنایی با روش تحقیق شرق‌شناسان با مبانی تحقیق و پژوهش آشنا گشته و آثاری محققانه و درخور را منتشر کردند. ظهور و حضور این افراد مقارن با دوره رضاشاه و حاکمیت اندیشه‌های ناسیونالیستی بود. از برجسته‌ترین محققان این دوره می‌توان به؛ محمد قزوینی، بهار، حسن تقی زاده، پیرنیا، محمدعلی فروغی، اقبال آشتیانی، علی اصغر حکمت، عبدالعظیم قریب، احمد کسروی، ابراهیم پورداوود، احمد بهمنیار، قاسم غنی، تقی مدرس رضوی، رشید یاسمی، مجتبی مینوی، سعید نفیسی، یدیع‌الزمان فروزانفر، جلال الدین همایی، محمد پروین گنابادی، مسعود فرزاد، نصرالله فلسفی، رضازاده شفق و ... اشاره کرد.

همان‌گونه که اشاره شد ظهور محققان مذکور مقارن با سلطه و حاکمیت اندیشه‌های ناسیونالیستی بود. به همین سبب عمده تحقیق و پژوهش ایشان بر ترجمه و تصحیح متون اوستایی، پهلوی، ادیان و مذاهب کهن ایران متمرکز شده بود. علاوه بر این گروهی از این پژوهشگران به مطالعه و تحقیق در ادب و فلسفه و حکمت در اروپا گرویدند.

تحقیق و پژوهش‌های این گروه از پژوهشگران در دو حوزه روش‌شناسی و نثر قابل بررسی است. روش تحقیق برخی از محققان این گروه مبتنی بر روش‌های تحقیقی قرن هجدهم اروپا بود. همچنین گروهی دیگر از محققان به شیوه‌ای سنتی به مطالعه تاریخ و فرهنگ می‌پرداختند. این تفاوت و گونه‌گونی روش بیش از هر چیز متأثر از آبخور تربیتی و ادبی ایشان بود. گروهی از این محققان به فرهنگ ایرانی گرایش داشتند. گروهی به فرهنگ و دستاوردهای غرب متمایل بودند و گروهی دیگر برخوردار از تربیتی ایرانی - اسلامی و متمایل به حوزه.

از منظر نثر این گروه از محققان نثری بر پایه نثر قدیم با کمی چاشنی تجدد را در پیش گرفته بودند. نثر آنان گاه متأثر از بیهقی و ناصر خسرو بود و گاه متأثر از ترجمه‌های اروپایی و عربی. اما مهم‌ترین ویژگی نثر دانشگاهیان این دوره، تسلط آنان بر اسلوب زبان و ادبیات فارسی بود.

پس از گروه اول استادان و دانشگاهیان، گروه دوم پا به عرصه گذاشتند. نسل دوم پژوهشگران غالباً شاگردان نسل اول بودند. آنان در عین برخورداری از زبان‌دانی به سبب تبحر و تسلط بیشتر بر روش‌های علمی و آکادمیک، شیوه‌های نوینی داشتند. از مهم‌ترین استادان این دوره می‌توان به؛ محمد معین، ذبیح‌الله صفا، پرویز ناتل خانلری، عبدالحسین زرین‌کوب، جعفر شهیدی، احمدعلی رجبی، مهدی محقق، محمد دبیرسیاقی، محمدجعفر محجوب، عباس زریاب خویی، مهدی حمیدی، منوچهر مرتضوی، محمدعلی اسلامی ندوشن، غلامحسین یوسفی، ایرج افشار، محمدامین ریاحی، خسرو فرشیدورد، مظاهر مصفا، محمد استعلامی، فریدون آدمیت و .. اشاره کرد.

از منظر روش تحقیق، این گروه روشی آکادمیک و منطبق بر معیارهای روز داشتند. از منظر نثر نیز از نثری سالم، سلیس و روان در مقایسه با استادان نسل قبل برخوردار بودند.

نسل سوم استادان تربیت شده استادان قبل هستند. آنان نسبت به استادان دو نسل گذشته دارای آفاق فکری و اندیشگانی عمیق‌تر و گسترده‌تری هستند. از جمله این استادان می‌توان به؛ محمدرضا شفیعی کدکنی، تقی پورنامداریان، سعید حمیدیان، شاهرخ مسکوب، سیروس شمیسا، علی اشرف صادقی، کوروش صفوی، حسن انوری، اصغر دادبه، جلال الدین کزازی، محمدرضا باطنی و .. اشار کرد.

روش علمی و تحقیقی این استادان نوین و متأثر از روش‌های روز دنیاست و از نظر نثر ایشان، نثری امروزی، پاکیزه و پویا دارند.

حوزه مطالعات و تحقیقات هر سه نسل آکادمیک ایرانی گسترده است. این حوزه‌ها شامل ادبیات، فرهنگ، فلسفه، مذهب، دین، دستور، جامعه‌شناسی، نقد، ترجمه، تصحیح و شرح و تحلیل متون و ... است.

۶ - نقش و تأثیر آکادمی بر نثر معاصر فارسی

تأثیر آکادمی و محیط‌های دانشگاهی در نثر و متونی که در این دوره تولید، تدوین و تألیف شدند، خود را نشان دادند. از مهم‌ترین دست‌آوردهای این دوره که ارتباطی مستقیم با محیط‌های آکادمیک داشت می‌توان به آثار پژوهشی، آثار تحلیلی و نقدهای ادبی اشاره کرد. در ذیل نگاه دقیق‌تری به هریک از این دستاوردها خواهیم داشت.

در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ (۱۹۶۱ تا ۱۹۷۸م) پژوهش‌های ادبی، تاریخی، فلسفی و اجتماعی متأثر از جدیدترین شیوه‌های پژوهشگران شرق و غرب با رنگ و بویی علمی و روش‌مند توسط عبدالحسین زرین‌کوب، مرتضی راوندی، حمید

عنايت، فریدون آدمیت، ایرج افشار، یحیی آرین‌پور، شاهرخ مسکوب، محمدابراهیم باستانی پاریزی، علی شریعتی و ... تداوم یافت.

دههٔ چهل و پنجاه، همچنين عرصهٔ رواج و رونق مجلات، نشریات، فصلنامه‌ها و جُنگ‌های هنری، ادبی و اجتماعی بود. در این فضا افزون بر مجلات پرسابقه‌ای چون: سخن، اندیشه و هنر، راهنمای کتاب و یغما، مجلاتی نظیر: آرش، دفترهای زمانه، جهان نو، انتقاد کتاب، بررسی کتاب، کتاب ماه، کتاب هفته، خوشه، جُنگ اصفهان، الفبا و ... ظهور کردند و به رشد فرهنگ ملی یاری رساندند.

نقد ادبی در اغلب زمینه‌ها همچون شعر، نمایشنامه، داستان و .. به اوج رسید. منتقدانی همچون رضا براهنی، عبدالعلی دستغیب، یدالله رویایی، محمد حقوقی، اسماعیل نوری علا، داریوش آشوری، م. آزاد، ابوالحسن نجفی، نجف دریابندری، مهرداد صمدی و ... از طلایه‌داران نقد علمی و آکادمیک این دوره بودند که با بهرگیری از موازین نقد نوین غربی آثار برجسته‌ای به یادگار گذاشتند.

در این دوره با بهرگیری و تأثیر از دو نگرش ادبیات متعهد و اندیشهٔ آگزیستانسیالیستی در دههٔ چهل دو جریان متضاد در حوزه‌های شعر و داستان ظهور کردند. این دو جریان عبارتند از: جریان فرمالیستی «هنر برای هنر» و جریان محتواگرایی «هنر متعهد». ایضا در این دوره به سبب ظهور پاره‌ای آزادی سیاسی - فرهنگی، امکان شکل‌گیری جریان جدی فرهنگی با روحی سراسر امید و آرمان (برخلاف روح نومید و نفرینی ادبیات دههٔ سی) فراهم شد. گسترش مجلات، نشریات، مجامع ادبی و هنری و ... همگی در ظهور این موج مترقی مؤثر بود. اما این جریان در اواخر دههٔ چهل، گرفتار سد سانسور حکومتی شد و تا حدودی از نفس افتاد (روزبه، ۱۳۹۵ (۲۰۱۶م): ۷۸ و ۷۹).

بعد از انقلاب و پس از دورهٔ انقلاب فرهنگی که دانشگاه‌ها و محیط‌های آکادمیک دستخوش تغییراتی شده بودند، ادبیات و خاصه متون منثور ادبی نیز از این تغییر مصون نماندند. تغییرات غالباً بر فرم و محتوا و نیز گرایش نویسندگان اثر گذاشت.

۷ - بررسی و تحلیل نقش آکادمی بر پیشرفت نثر معاصر فارسی

رشد فضاهای آکادمیک و دانشگاه‌ها و فراهم آمدن بستری مناسب برای گفت‌وگوهای علمی، ادبی و انتقادی در این محیط‌ها سبب شد نویسندگان بیش از پیش به آنچه می‌نویسند توجه کنند. همچنین نقدها و رویکردهای آکادمیک به آثار نویسندگان، آگاهی آنان را در پی داشت و آنها را نسبت به نثر خویش مسئول‌تر متعهدتر ساخت.

فورستر؛ بسط و گسترش رمان را ناشی از بسط و تکامل انسان‌ها می‌داند (ر.ک فورستر، ۱۳۵۲ (۱۹۷۳م): ۲۲). در دههٔ ۴۰ به سبب رشد طبقهٔ متوسط، گسترش مدنیت صنعتی و افزایش اقشار باسواد، رمان با گرایش و نیل به نشانه‌های زیباشناختی نو، به عنوان یکی از مهم‌ترین فرم‌های ادبی این روزگار خود را نشان داد. دلیل این مدعا را می‌توان در برترین و برجسته‌ترین رمان‌هایی دانست که در این دوره به وجود آمدند. رمان‌هایی نظیر؛ سنگ صبور نوشتهٔ صادق چوبک، سووشون از دانشور، شازده احتجاب از هوشنگ گلشیری، عزاداران بیل از غلامحسین ساعدی و ادامهٔ همین مسیر در دههٔ با رمان‌های؛ همسایه‌ها از احمد محمود، دل کور از اسماعیل فصیح، سگ و زمستان بلند از شهرنوش پاریزی، شب هول از هرمز شهدادی سبب اعتلای داستان‌نویسی مدرن شدند.

در این دو دهه، داستان از سطح «وعظ اخلاقی» به مرحلهٔ «خلاقیت اصیل هنری» ارتقا یافت و کوشید به جست‌وجوی عمیق در بطن هستی و هویت انسان و جامعه بپردازد.

از نیمهٔ دههٔ چهل متأثر از ترجمهٔ آثار نویسندگان مدرن غرب، خصوصاً جیمز جویس، ویلیام فاکنر، مارسل پروست و ... داستان‌نویسی با ساختار مدرن در ایران پا گرفت و رشد کرد. رمان‌های سنگ صبور از صادق چوبک، شازده احتجاب از هوشنگ گلشیری و ملکوت از بهرام صادقی از استوارترین گام‌ها در این مسیر بودند (روزبه، ۱۳۹۵ (۲۰۱۶م): ۷۹).

نیمهٔ دوم دههٔ شصت و سال‌های پس از جنگ دورهٔ اوج رمان و رمان‌نویسی در ایران بود. این دوره تا پایان دههٔ هفتاد نیز تداوم یافت. در دورهٔ پس از جنگ، اگر داستان‌نویسان مذهبی با نگاهی حسرت‌بار به ثبت خاطرات حماسه‌های دوران جنگ پرداختند، نویسندگان روشنفکر کوشیدند تا با رویکردی جزئی‌نگرانه به تضادها و تناقض‌های روحی انسان معاصر بپردازند.

اندیشه‌های گوناگون و گاه متناقضی در محیط‌های آکادمیک مطرح می‌شد که گاه متأثر از شیوه‌های نو ادبی از جمله رئالیسم جادویی و ذن و بودیسم بود و گاه برگرفته از آموزه‌های روانشناسی فروید و یونگ و اریک فروم و همچنین انگاره‌های فلسفی نیچه و هایدگر و ... نویسندگان که غالباً دانش‌آموختگان محیط‌های آکادمیک بودند متأثر از این اندیشه‌ها و آموخته به خلق آثار خویش مبادرت می‌ورزیدند.

بی‌گمان نقش ترجمه را نیز در این دوره نباید از نظر دور داشت. ترجمه آثار از نویسندگان غرب و شرق همچون؛ مارگریت دوراس، روزه مارتن دوگار، کلود سیمون، مارسل پروست، ویلیام فاکنر، گراهام گرین، جوزف کنراد، ویرجینیا وولف، هاینریش بل، امبرتو اکو، ایتالو کالوینو، خورخه لوئیس بورخس، گابریل گارسیا مارکز، نجیب محفوظ و .. ذهن نویسندگان ایرانی با ساحت‌های تازه‌ای از ساختار و فرم و لحن آشنا کرد و نثر نویسندگان در حوزه‌های ادبی مسیری صعودی و رو به تکامل را پیمود (ر.ک روزبه، ۱۳۹۵ (۲۰۱۶م): ۱۰۰ و ۱۰۱).

7-1 نمونه‌های نثر آکادمیک فارسی

نثر آکادمیک فارسی از سوی دانشگاهیان با اهداف رویکردهای گوناگون نوشته شده است. در زیر به سه نمونه‌های از این نثر در قالب‌های مقاله، داستان و نقد اشاره می‌کنیم:

7-1-1 مقاله

آنچه در آثار نویسندگان امروز ما بسیار سست و خام است، جنبه بیان آنها است. نمی‌گویم که معانی خوب و بدیع بسیار است اما یکسره ناپیدا نیست. اگر ادبیات امروز ما ضعیف و ناچیز جلوه می‌کند بیشتر از آن رو است که همان اندک معانی تازه و زیبا هم که هست آن‌چنان که باید درست و خوب بیان نمی‌شود. این نقص آنجا حاصل شده است که نویسندگان امروز کار بیان را پر آسان و سرسری گرفته‌اند (ناتل خانلری، ۱۳۸۳ (۲۰۰۴م): ۴۷).

7-1-2 نقد

اما به نظر نگارنده اعتراض دیگری در این باره می‌رسد که دیگران متعرض نشده‌اند به این قرار که در زبان عربی یاء نسبت در مورد انتساب به شکل و هیئت در جامه لباس نظیر ندارد و مثلاً کلمه قطنی به معنی کسی که لباس پنبه دربرمی‌کند و اطلسی به معنی اطلسی‌پوش در استعمال فصیح عربی صحیح نیست (شمیسا، ۱۳۸۸ (۲۰۰۹م): ۸۱).

7-1-3 داستان

در زیر داستانی از مجتبی مینوی؛ استاد دانشگاه تهران را می‌خوانیم. این داستان در کتاب «نثر فصیح فارسی معاصر» به گردآوری جلال متینی آورده شده است.

ساعت ورود او را خوب به خاطر دارم: در انتهای آن پنج شبانروزی بود که سال از قوت جوانی به ضعف پیری گرائید. پرستوها هجرت کرده بودند ولی با سترک سرخ‌بال هنوز به این سامان نیامده بود. سنگپشتی که در باغچه من است به کنج آشیان زمستانی خود خزیده بود. اعتدال خریفی در رسیده بود. بادی از مشرق می‌وزید که خود را در عروق درختان خشک می‌کرد و برگ درختان بی‌آنکه از درجات قرمزی و زردی بگذرد به یک وزش باد، پژمرده و قهوه‌ای رنگ می‌شد و مثل ورقه قلمی نازک خشخش می‌کرد (متینی، ۱۳۳۸ (۱۹۵۹م): ۱۶۹).

نتیجه‌گیری

نظم فارسی از آغاز تا به امروز بالیده و مسیری همراه با پویایی و تحول را طی کرده است. این رشد و بالندگی نظم سبب شده که نثر همیشه در سایه نظم قرار گیرد. اما با بررسی آثار ادبی دوره معاصر به این نتیجه می‌رسیم که نثر پا به پای نظم رشد و پیشرفت داشته و چه بسا گاه از جهاتی از نظم پیشی گرفته است.

در این جستار به نثر معاصر، شاخصه‌های نثر، نثر دانشگاهی، تأثیر آکادمی بر نثر معاصر و سرانجام بررسی و تحلیل نقش آکادمی بر پیشرفت نثر معاصر پرداختیم.

در دوره‌های پیش که نقش دانشگاه‌ها و محیط‌های آکادمیک کم‌رنگ بود، نثر متأثر از شیوه قدما بود. این تأثیرپذیری و سنت‌گرایی در فرم و محتوا قابل مشاهده بود و نثر را دچار کرختی و جمود کرده بود.

دانشگاه و محیط‌های آکادمیک همچون خونی در رگ‌های نثر دویند و جریان زندگی را در نثر به راه انداختند. فضای باز آکادمی، فراهم شدن بستری برای بحث و نقد، ترجمه متون، گفتگوها و ... بر نثر نویسندگان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم را سبب شد. ذهن و اندیشه نویسندگان ایرانی در برخورد با دیگر نویسندگان چه داخلی و چه خارجی پویاتر و فعال‌تر گردید و این پویایی در داستان، نمایش‌نامه، ترجمه، پژوهش و ... در فرم و محتوا خود را نشان داد.

Abstract

The role of academicism in the development of modern Persian prose

By Makki khalid abdulrazzaq

Research in the literature heritage of the contemporary period led us to a result that prose has , like poetry, its own maturity and progress and, sometimes, its superiority over poetry. In this paper the contemporary prose, prose indicators, university prose, the impact of the academic prose on the contemporary prose are tackled. Finally, the paper tackled the research, analysis , progress, and development exhibited by contemporary prose.

منابع و مأخذ

- احمدی، بابک. (۱۳۸۵) (۲۰۰۶م). ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز.
- انوری، حسن (۱۳۸۹) (۲۰۱۰م). ذیل فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن.
- ایرانشهر در دو مجلد مجموعه مقالات درباره ی ایران کمیسیون ملی یونسکو در ایران ۱۳۴۱ (۱۹۶۲م)، نشریه :نامه فرهنگ - زمستان ۱۳۷۹ (۲۰۰۰م) - شماره ۳۸.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۸۰) (۲۰۰۱م). ازدهای هفت سر. تهران: انتشارات نارمک.
- براهنی، رضا (۱۳۶۸) (۱۹۸۹م). قصه‌نویسی. چاپ چهارم. تهران: نشر البرز.
- پاشایی، ع (۱۳۸۸) (۲۰۰۹م). نام همه ی شعرهای تو؛ زندگی و شعر احمد شاملو. ج ۲. تهران: انتشارات ثالث.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۲) (۲۰۰۳م). گمشده لب دریا. تهران: انتشارات سخن.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۷۸) (۱۹۹۹م). قصه‌نویسی. به کوشش علی دهباشی. تهران: انتشارات شهاب ثاقب و سخن.
- روزبه، محمدرضا (۱۳۹۵) (۲۰۱۶م). ادبیات معاصر ایران (نثر). تهران: انتشارات روزگار.
- زرین‌کوب، حمید (۱۳۵۸) (۱۹۷۹م). چشم انداز شعر نو فارسی. تهران: انتشارات توس.
- سپانلو، محمدعلی (۱۳۸۷) (۲۰۰۸م). نویسندگان پیشرو ایران. تهران: نشر نگاه.
- شایگان، داریوش (۱۳۹۶) (۲۰۱۷م). فانوس جادویی زمان؛ نگاهی به رمان در جستجوی زمان از دست رفته اثر مارسل پروست. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۹) (۲۰۱۰م). موسیقی شعر. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳) (۲۰۰۴م). یادداشت‌های حافظ. تهران: نشر علم.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۳) (۱۹۷۴م). مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر فارسی. چاپ هشتم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صفوی، کوروش. (۱۳۷۳) (۱۹۹۴م). نگاهی به برجسته سازی ادبی ۱. مجله (نشریه) شعر. شماره ۱۳.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۴) (۲۰۱۵م). اعترافات دانشگاهی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- عقیقی بخشایشی، عبد الرحیم (۱۳۷۵) (۱۹۹۶م). مفاخر آذربایجان، ج ۳، نشر آذربایجان.
- فورستر، ای ام (۱۳۵۲) (۱۹۷۳م). جنبه‌های رمان. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: امیرکبیر.
- منینی، جلال (۱۳۳۸) (۱۹۵۹م). نثر فصیح فارسی معاصر. تهران: بی‌جا.
- مشکور، محمدرضا (۱۳۷۸) (۱۹۹۹م). نامه باستان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرصادقی، جمال (۱۳۹۴) (۲۰۱۵م). ادبیات داستانی. چاپ هفتم. تهران: انتشارات سخن.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۷۷) (۱۹۹۸م). صدسال داستان‌نویسی ایران. تهران: نشر چشمه.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۳) (۲۰۰۴م). نویسندگی. نشریه فردوسی. شماره ۲۰ و ۲۱.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۵) (۱۹۶۶م). تاریخ معاصر ایران. تهران: کتاب فروشی فروغی.
- وحیدیان کامیار، (۱۳۸۲) (۲۰۰۳م). فراهنجاری ضمائر در زبان شعر. نامه ی فرهنگستان. دوره ی ۶. شماره ۱.